

## تمنا !

مشهور به آفاقی از دولت زیبایی !  
دیگر چه کنی حاشا این حسن و فریائی !

عمری است که در کویت سرگشته و حیرانیم  
مائیم و خیال دوست در خلوت تنهائی !

بر مجلس ما از مهر امشب گذری فرما  
ترسم نکشد تا صبح این شام گهرزائی !

انگشت نما گشتیم در عشق تو در عالم  
ننگیم نمی باشد از خرقه رسوائی !

با فتنه چشمانت افسون و خرابم کن  
تا دامن تو گیرم با مستی و شیدائی !

قدر تو ندانستیم تا در بر ما بودی  
بعد از تو چه باید کرد با این دل هر جائی ؟

باز آ که به کُنج غم در دل نبود دیگر  
جز دیدن رخسارت منظور و تمنائی !

رضا شاپوریان  
پنجشنبه ۱۳ آگوست ۱۹۹۸